

صبح صادق

ویژه‌نامه
روز دانشجویی

جایم کجاست؟

کجا اعتراض کنم؟!

ولی اعتراض اولین راهش نیست! ابروهایش در هم می‌رود و با لحنی ناراحت می‌گوید: میفرمایید اعتراض نکنیم؟ اصلاً تو میدانی ۱۶ آذر چه روزی بوده؟ روزی که دانشجویان در برابر حضور نیکسون رئیس‌جمهور آمریکا و برنامه‌ی سخنرانی‌اش، اعتراض کردند و چند نفر شهید شدند. البته اعتراضشان سرکوب شد اما از آن زمان تا به حال همه ساله از این روز یاد می‌شود و نمادی از واکنش و مطالبه‌ی دانشجویی و مقابله با ظلم شناخته می‌شود؛ اما با گذشت این همه سال هیچ جایگاهی برای اعتراض نگذاشته‌اند به من بگو مردم را کجا باید ببرم؟

به فکر فرو می‌روم، استدلالش منطقی بنظر می‌رسد اما باز هم برایم قانع‌کننده نیست؛ برایش مثالی می‌زنم: فرض کن من در خانام را محکم نبندم، قفل نکنم، دزدگیر نصب نکنم، آنگاه یقیناً دزدی پیدا می‌شود که بیاید و ببرد! حالا من از راه برسم و اعتراض کنم و فریاد بزنم آی دزد بگیردش! بنظرت این اتفاق کمی خنده‌دار نیست؟ می‌خواهم بگویم اعتراض هنگامی منطقی است که در مقابل وقوع جرم کاری برای پیشگیری کرده باشی؛ اگر انجام دادی و جواب نداد آن وقت اعتراض می‌شود راه منطقی؛ متعجبانه گوش می‌دهد و من اینطور ادامه می‌دهم: اصل و اساس حکومت اسلامی این است که اصلاً اجازه‌ی کج روی و خطا ندهی؛ می‌پرسد چه کسی مسئول نظارت بر کج روی است، حکومت یا مردم؟ من ادامه می‌دهم که حکومت نقش خدمت‌رسانی و نظارتی دارد اما باید بدانیم در هر حکومتی، آدم فاسد و ظالم پیدا می‌شود و این مسئله اجتناب‌ناپذیر است. پس برای جلوگیری از فساد و ظلم نیاز به نظارت مردمی است. با دل‌خوری می‌گوید: همه‌اش که شد وظیفه‌ی مردم؟ برایش آیه ۲۵ سوره حدید را می‌خوانم، خداوند می‌فرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ یعنی خداوند بار اصلی ایجاد عدالت را بر دوش مردم گذاشته است ایجاد عدالت مراحل متفاوتی دارد اما اصل عدالت نظارت است! حالا سوالی از تو می‌پرسم: بنظرت دلایل غلبه حکومت طاغوت چیست؟ در طول

تاریخ پیامبران و فرستاده‌هایی آمدند تا مردم را هدایت کنند اما غالباً قدرت دست مخالفانشان بوده است، چرا با وجود انبیا، و اولیا، الهی بستر ظلم و ظلم‌پذیری برچیده نشده است و یا اگر شده مدتش محدود بوده است؟ اصلاً چرا راه دور برویم، همین کشور هند با یک میلیارد جمعیت سال‌های متمادی مستعمره انگلستان ظالم بوده جمعیت انگلستان نهایتاً ۶۰ میلیون نفر بشود، بنظرت چگونه این ظلم‌پذیری پدید می‌آید؟

کمی فکر میکند و پاسخ می‌دهد: شاید چون مردم آگاهی لازم را نداشته‌اند شاید هم راحت‌طلب بوده‌اند. می‌گویم: اتفاقاً زیر بار ظلم رفتن اوج سختی است و راحتی ندارد. چه کسی از دیدن بی عدالتی و نابرابری خوشحال می‌شود مردم در همه اعصار از ظلم بیزار بوده‌اند، عدم آگاهی و راحت‌طلبی دلایل دقیقی نیستند. علتش این است که ما مردم درگیر سیاست نمی‌شویم، در کلیات سیاست هستیم اما در جزئیاتش وقت نمی‌گذاریم خوب که کار بیخ پیدا کند و نتایج بی‌کفایتی و فساد روشن شود تازه سروصدای ما در می‌آید و دست به اعتراض می‌زنیم، البته معتقدم اعتراض ۱۶ آذر دانشجویان کاملاً به‌جا و به حق بوده‌است چراکه حکومت طاغوت بوده و برای پیگیری مطالبات راهی جز این نبوده است اما الان حکومت اسلامی است و البته متأسفانه در جایگاه‌ها و مسئولیت‌های مختلف طاغوت‌های کوچک وجود دارد همانطور که گفتیم تا وقتی که نظارت مردمی نباشد فساد اجتناب‌ناپذیر است. در حال حاضر مسئله این است که ما نمی‌خواهیم دردسر جلوگیری و پیشگیری از فتنه را بپذیریم، حوصله‌ی فهم سیاسی در جزئیات را نداریم! هر حکومتی بیاید و برود باز هم در بر همین پاشنه می‌چرخد، ما تا سیاسی نباشیم عدالت در جهان حکم فرما نمی‌شود بقول امام خمینی رحمه الله: اسلام همه‌اش سیاست است! یعنی باید هشیار باشیم، نسبت به هر موضوع شهری، کشوری، منطقه‌ای و جهانی دقیق باشیم. باید گلوگاه‌ها را پیدا کنیم؛ مثلاً اعتراض علیه رانت خواری دردی دوا نمی‌کند و درمان قطعی و اصلی نیست باید راه رانت خواری را ببندیم! می‌پرسد: من که به تنهایی کاری از دستم برنمی‌آید! مگر میشود هم رصد کرد و هم اقدام عادلانه؟ می‌گویم: آی باریکلا. دقیقاً به هدف زدی، تنهایی نمی‌شود؛ ما برای جلوگیری از فساد و برقراری عدالت نیاز به کار گروهی داریم، شبکه‌سازی دوی درد ماست!



باید بدانیم بدون تشکیلات نمی‌شود عادلانه زندگی کرد! حقیقت تلخ این است که مهم‌ترین عامل حکومت فاسدان مفسد، سکوت عالمان است، البته نباید رعایت اخلاق سیاسی یادمان برود و باید بر مدار حق رفتار کنیم و بدانیم که کار سیاسی با کار حزبی و آنچه تاکنون رخ داده کاملاً متفاوت است، حزب و حزب‌بازی خودش اوج بی‌عدالتی است! دین زیبای اسلام سراسر مسلمانان را به اجتماع دعوت می‌کند، مثلاً نماز جماعت خودش یک شبکه سیاسی است. امام جماعت را به دروغ برای ما پیش‌نماز معنی کردند! پیش‌نماز یعنی چه؟ مگر نماز پس و پیش دارد؟ امام جماعت یعنی رهبر یک شبکه سیاسی محلی، که با حضور و پیگیری مردم و کمک آن‌ها، می‌تواند مشکلات منطقه‌ای و شهری را پیگیری و حل و فصل کند. اسلام راه حل‌های زیادی پیش‌روی ما گذاشته که حتی اگر بخواهیم اعتراضی هم داشته باشیم در همین بسترها، امکانش فراهم است و اگر خوب رسانه‌ای بشود، تأثیرات بسزایی خواهدداشت. می‌گوید: پس باید آب را از سرچشمه پاکیزه نگهداریم، به نشانه تأیید دستم را بالا آورده و احسنی نثارش می‌کنم. از من سراغ تشکیلات‌های فعال دانشگاه را می‌گیرد و برایش معرفی می‌لاکنم و درحالی که در تلفن همراهش نزدیک‌ترین مسجد محل زندگی‌شان را بررسی می‌کند، زیر لب مناجاتی با خدا دارد؛ خدایا ملت ما را تا به حال هدایت کردی اما بیشتر از این‌ها منش‌مان را سیاسی کن، نویسنده سیده نفیسه حسینی، کارشناسی کامپیوتر

دانشجویان پویا



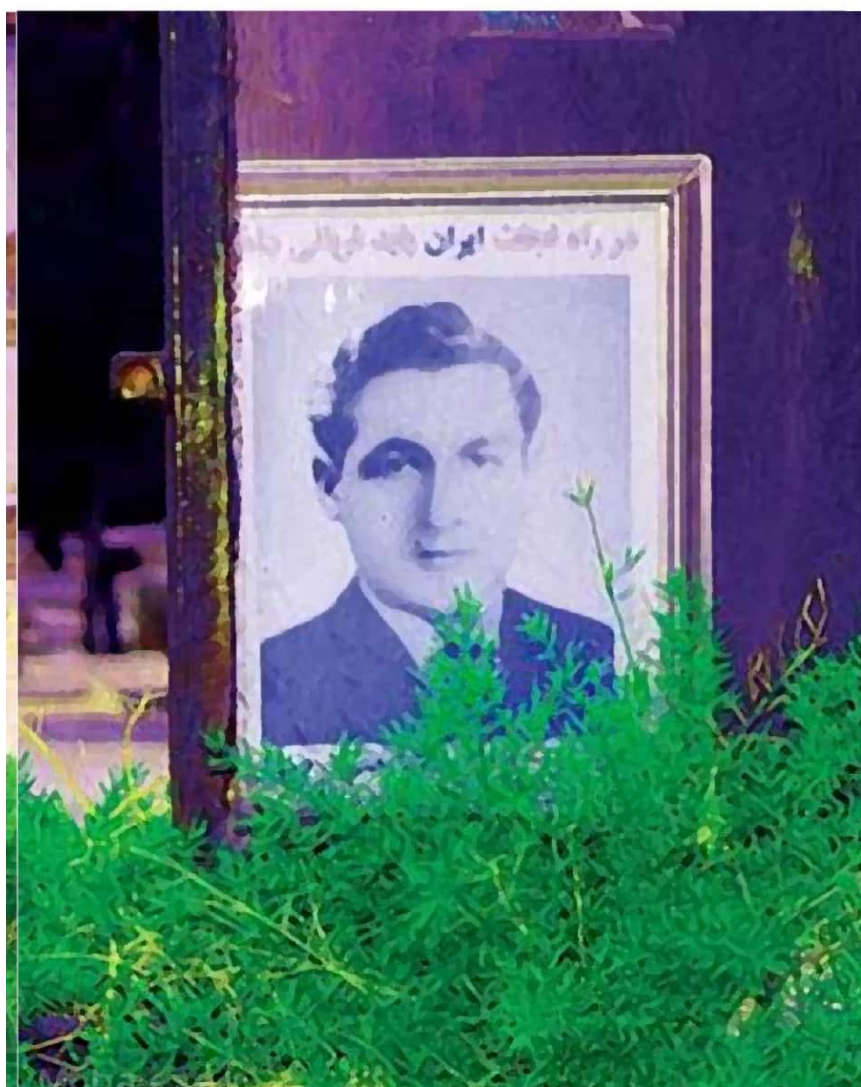
مطالبه گری از ائمه
جمعه



احیای کارخانه هفت
تپه تبریز



جلوگیری از تخریب
ارتفاعات جنوبی مشهد



چرا اعتراض کردیم؟!

از مهم‌ترین مبارزات ملت ایران در دوره نهضت اسلامی می‌توان به مبارزه با آمریکا اشاره کرد. حتی قبل از شروع نهضت اسلامی نیز مبارزه با آمریکا در بین روحانیون و دانشجویان هم نمود داشت که به مبارزه علیه سلطه آمریکا و انگلیس می‌پرداختند. وقایع ملی‌شدن نفت ایران و حوادث ۱۶ آذر سال ۳۲ از این دست می‌باشد.

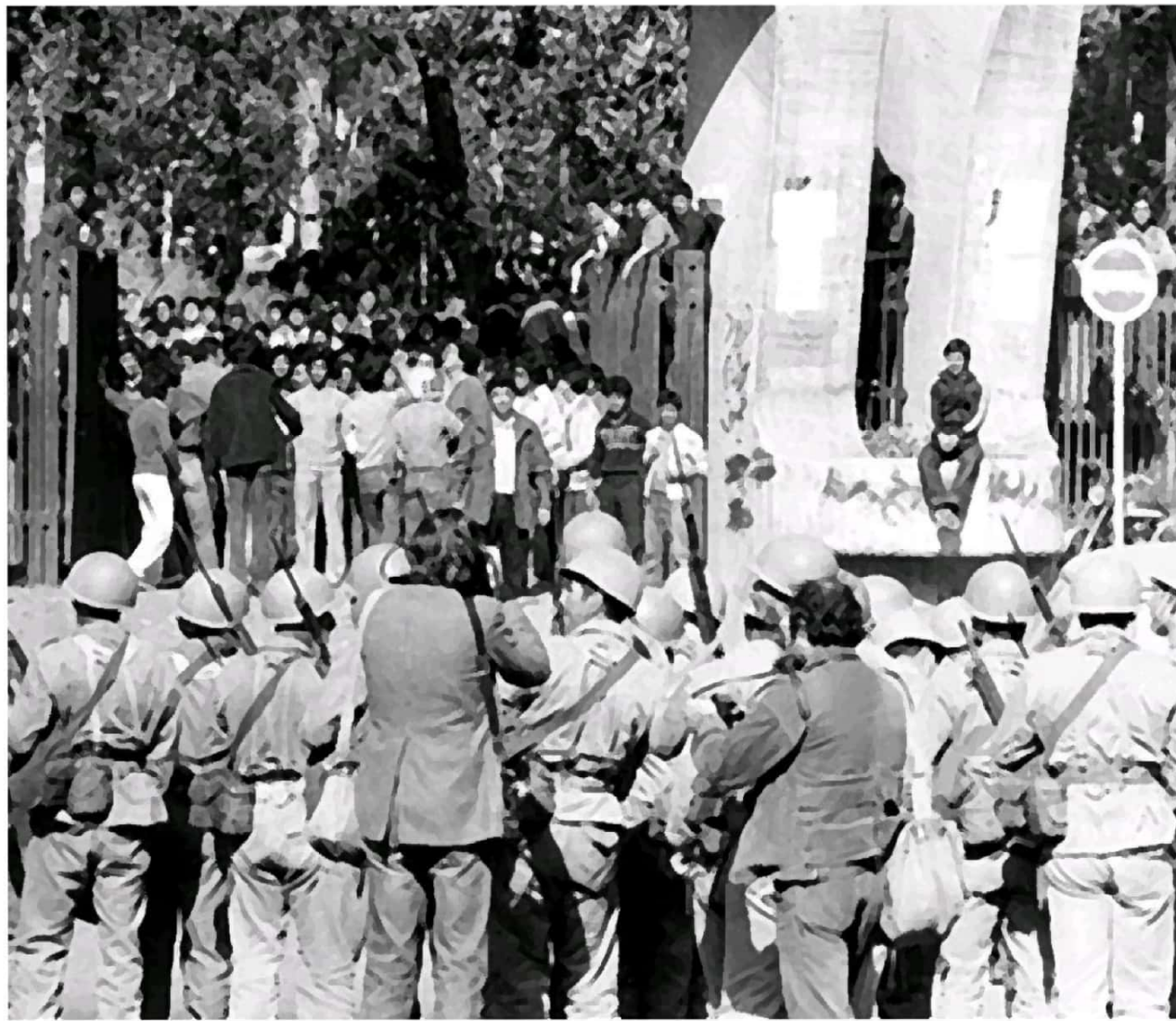
هدف اصلی مبارزه، نابودی رژیم پهلوی در راستای مبارزه با آمریکا بود، این استکبارستیزی به کرات در کنش سیاسی مردم مشاهده شد.

ازجمله نیروهای انقلابی مبارز، پیگیر و فعال، دانشجویان بودند که در اعتراض به حوادث مهمی نظیر ورود نیکسون به ایران، مخالفت با کنسرسیوم نفتی، مبارزات ضد آمریکایی در ماجرای انقلاب سفید، انجمن‌های ایالتی و ولایتی و مخالفت با نفوذ اقتصادی هیئت آمریکایی به سرپرستی راکفلر، نقش بسزایی داشتند.

کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ که با فتنه آمریکایی همراه بود از دید دانشجویان پنهان نبود و فرصتی شد برای پاسخ قاطع به دخالت‌های آمریکا تا اینکه در ۲۴ آبان همان سال اعلام شد نیکسون معاون رئیس‌جمهور آمریکا به ایران خواهد آمد. خشم دانشجویان از سفر نیکسون به ایران و از طرفی ملی‌زدایی شدن نفت ایران و در اختیار دولت غربی قرارگرفتن آن بر آتش خشم دانشجویان افزود.

و بعد از چند روز تظاهرات و اعتراضات گسترده به سیاست خصمانه رژیم پهلوی و از سرگیری روابط با انگلستان و ادامه رابطه با دولت آمریکا سرانجام این تظاهرات در ۱۶ آذر ۳۲ در دانشگاه تهران به درگیری کشیده شد و نیروهای نظامی رژیم پهلوی در یک اقدام کم‌سابقه چهره پلید خود را نشان داده و با شلیک به طرف دانشجویان سه تن از آنان را به شهادت رسانده و تعدادی را مجروح کردند.

نویسنده: منصوره پوران علی، کارشناسی حسابداری



دانشجو دلت نمیندیرد!

نویسنده: نادیا لامی، کارشناسی کامپیوتر

تو رفتی و سال‌ها پس از گلگونی تن رعایت، نهال آبیاری شده با خون تنت به درختی عظیم بدل شد؛ درختی که چنان ریشه در خاک بشریت دوانده‌است که چهل و چند سال است به ضرب هیچ تبری سست نگشته.

امروز، با وجود فراموشی بسیاری از جوانان، همچنان خون درحال جوشش تو واژه دانشجو را همان‌گونه که باید مفهوم می‌بخشد و به آن ابهت هدیه می‌کند.

ضمانت این انقلاب، خونی بود که از جوانان وطن رفت و از آن لاله‌ها روییده است، دسیسه‌ها برملا و قتنه‌ها خاموش می‌کند این ضمانت.

تا همان روزی که این درخت تنومند به دست صاحب قیام های جوانان پاکی چون تو برسد. و آن روز دیر نخواهد بود...

رفتی که نشان‌دهی در مکتب عشاق، فریادکشیدن هنر مردانی‌ست که تنها کسب علم را در دانشگاه زندگی نیاموختند.

برخاستنت آتش در دل خاموشی‌های ترس افکند و شجاعت را به مثال باران بر تن ریشه‌ی خشکیده سکوت باراند.

شیطان ظلمت، مستانه نعره شادی سرمی‌داد و در وادی رویای بی‌خودمرز خویش، از بیداری جوانانی که مدت‌هاست به‌جای خواب، آزادی را به شب‌هایشان می‌پرداختی بود.

و جویبارهای کوچک خون، روان بر صحن پاک دانشگاه همان شمشیر آهنگران زمان شد، در مصاف با ضحاک کودتا.

به ترس از گلوله و پریز شدن جوانی، دل سپرده بودند که سلاح به سمت قلب پر از حرارت نشانه می‌گرفتند. نمی‌دانستند بازیچه‌ای بیش نبود این زندگی برای همچو تویی که در راه هدف آغوش خدا را وعده‌گاه خویش می‌بینی.

ملنگ دانشجویی

اهل کتابم

درس بد نیست

غذای سلفی دارم، خرده نونی، سر سوزن پولی

کیف کولی دارم، گنده‌تر از کلمن آب

استادی، بهتر از چشمه آب

و مشروطی که در این نزدیکی است

بین این برگه‌ها، پای آن کتاب سخت

روی این روفرشی، گم می‌شه هی همه چی

من دانشجویام

کتابم، دسته دوم

جای کتاب‌هایم در سبد
استادم، فیوریت من
من با بغض و اشک التماس می‌کنم
در نمره امتحانم جریان دارد صفر
عصبانیت از صورت استادم پیداست
همه ذرات وجودم از هم پاشیده است
من تقلب وقتی می‌کنم
که مراقب، خیره شده باشد به افق
من کتابم را، بعد پاس شدن پرپر می‌کنم
زیر این سقف آسمان

نویسنده: شقایق پاکی، کارشناسی ادبیات

۱۶ آذر؛

سرآغاز حق خواهی

و

استبداد ستیزی

